

اندیشهٔ اصلاح دین در ایران

مقدمه‌ای تاریخی

جلد اول

دورهٔ قاجار

سید مقداد نبوی رضوی

www.ketab.ir

شابک

: دوره : 2-31-8514-600-978 : ج. ۱ : 9-29-8514-600-978 : ج. ۲ : 5-30-8514-600-978

: ۴۶۴۹۱۷۶

شماره کتابشناسی ملی

: اندیشه اصلاح دین در ایران مقدمه‌ای تاریخی / سید مقداد نبوی رضوی

عنوان و نام پدیدآور

: تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۶.

مشخصات نشر

: ج. ۲

مشخصات ظاهری

: تاریخ معاصر ایران.

فروست

: کتابنامه.

یادداشت

: نمایه.

یادداشت

: ج. ۱. دوره قاجار - ج. ۲. دوره پهلوی.

مندرجات

: اصلاح دین - ایران

موضوع

: Reformation -- Iran

موضوع

: مجتهدان و علما - ایران - فعالیت‌های سیاسی

موضوع

: Ulama -- Political activity -- Iran

موضوع

: اسلام - تجدید حیات فکری - تاریخ

موضوع

: Islamic renewal -- History

موضوع

: ایران - دین - تاریخ - قرن ۱۳ ق

موضوع

: Iran -- Religion -- History -- 19th century

موضوع

: ایران - دین - تاریخ - قرن ۱۴ ق

موضوع

: Iran -- Religion -- History -- 20th century

موضوع

: ۵/۰۷۱

رده‌بندی دیویی

: ۱۳۹۶ الف ۱۳۱۵ DSR

رده‌بندی کنگره

: نبوی رضوی سیدمقدم، ۱۳۵۹

سرشناسه

: فیا

وضعیت فهرست‌نویسی



اندیشه اصلاح دین در ایران

مقدمه‌ای تاریخی (جلد اول)

سیدمقداد نبوی رضوی

انتشارات شیرازه کتاب ما

طراح جلد: پردیس خرمی

تیراژ: ۸۸۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۶

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۹۵۰۰۱۸۲-۹۳۶

سایت: www.shirazehketab.net

فهرست مطالب

۹	یادداشت دبیر مجله
۱۱	دیباچه

جلد اول

۲۱	فصل اول: بایبان و دعوت اصلاح دین
	فصل دوم: شیخ هادی نجم‌آبادی: معلم فکر اصلاح دین در عصر قاجار
۲۳۹	
۴۰۳	فصل سوم: سید اسدالله خرقانی و «دوره طلایی» سروطیت

جلد دوم

	فصل چهارم: شریعت سنگلجی: معلم فکر اصلاح دین در عصر پهلوی
۵۱۵	
۵۸۷	فصل پنجم: دعوت اصلاح دین پس از شریعت سنگلجی
۶۷۱	فصل ششم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پیوست‌ها

- پیوست شماره ۱: شجره‌نامه فکری داعیان اصلاح دین در ایران..... ۶۸۲
- پیوست شماره ۲: انحطاط توحیدی مسلمانان و ظهور سید علی محمد
باب از نگاه ازلیان..... ۶۸۶
- پیوست شماره ۳: نمودهایی از اندیشه اصلاح دینی سید جمال‌الدین
افغان..... ۶۹۹
- پیوست شماره ۴: پیشنهادهای سید اسدالله خرقانی به روزنامه
صوران افغان..... ۷۱۹
- پیوست شماره ۵: گفتارهایی در نسبت شریعت سنگلجی با
اصلاح‌گرایان ایرانی - وهابیان عرب..... ۷۲۹
- کتابنامه..... ۷۴۷
- تصاویر و اسناد..... ۷۷۵
- فهرست اعلام و شخصیت‌ها..... ۹۴۳

یادداشت دیر مجموعه

مجموعه مباحثی که از اواخر قرن نوزدهم میلادی با تأکید خاص شیخ احمد احسائی بر مفاهیمی چون ضرورت وجود و حضور یک رکن رابع در حفظ و انتقال معارف شیعی در فضای حوزه‌های مذهبی عتبات عالیات آغاز شد، آنگاه با طی مراحل به صورت علمی مختلف سیدعلی محمد باب و پیروان او در ایران تبعات گسترده‌ای یافت. مسئله مباحث مهمی است که به‌رغم یک تأثیر دیرپای بر پاره‌ای از تحولات اجتماعی و حتی سیاسی ایران معاصر به صورت موضوع کم‌ویش بحث‌ناشده‌ای باقی مانده است؛ حتی می‌توان گفت با تبدیل سریع این مقوله به یک بحث تئیدتی حاد در همان مراحل اولیه کار بویژه پس از دگرگونی‌هایی که این حرکت را نخست به نسخ اسلام سوق داد و در نهایت زمینه‌ساز برآمدن یک آیین جدید شد، باب گفت‌وگو در این زمینه فوق‌العاده محدود شد؛ به‌رغم گذشت یک قرن و اندی از آن ایام و به تاریخ پیوستن این مقوله هنوز هم بار عقیدتی آن بر وجه تاریخی‌اش سنگینی می‌کند.

بدنه اصلی تاریخ‌نگاری آن با ویژگی ملی مذهبی‌اش طبعاً از پرداختن به این موضوع اکراه دارد و اگر هم به صورتی حاشیه‌ای بدان پردازد از لحاظ کردن علائق فوق‌معدور است. بخش چپ تاریخ‌نگاری نیز اگرچه به

دلیل فقدان تقید دینی نگاه بازتری به این مقوله داشته و هرازگاه از اهمیت اجتماعی و سیاسی اش سخن گفته است اما بنا به مجموعه‌ای از دلایل - از جمله فقدان دانش مذهبی لازم - فقط تا جایی می‌تواند پیش برود که تحولات مورد بحث را به صرف ستیزه با نظام سیاسی و عقیدتی وقت و با چشم‌پوشی بر بسیاری از خصوصیات اصلی - از جمله تأکید این‌گونه تحرکات بر نوعی رجعت به اصل و بازگشت به سلف صالح - «مترقی» و «پرو» ارزیابی کند.

یکو. بحر از عواملی که به این بحث ناشدگی کمک کرد صورت پنهان و راه کنعان و عیهام بود که بخش مهمی از این حرکت به خود گرفت؛ موضوعی که از مصلحت‌پوشان این بررسی تاریخ مکتوم، نگاهی به تلاش‌های سیاسی فعالان ازلی و در مخالفت با حکومت قاجار و تدارک انقلاب مشروطه بررسی شد و این در حالی بود که در کنار عطف توجه ناظران تحولات روزگار به شعبه دیگری از این حرکت، تحریکات که اینک به صورت یک آیین جدید دینی راه بحث‌انگیز خود را طی می‌کرد، مقدمات مورد بحث به صورت یک حرکت نسبتاً منسجم و مؤثر مدجی - سیاسی، با رنگ و روی شبه‌اسلامی، تا مدت زمانی بعد - به حدس و گمان راقم این سطور تا مراحل میانی انقلاب مشروطه و نه فراتر از آن - به صورت حاشیه‌ای به کار خود مشغول بود.

در این بررسی، با پشت‌سر گذاشته شدن دوران انقلاب مشروطه، تأکید و توجه اصلی بر تبعات و آثار گسترده‌تر پاره‌ای از مباحث و مضامین مطرح‌شده در آن کشاکش است که در مراحل بعد چه در دوره رضاشاه و چه در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ به جریان پرتحرک و پویایی میدان داد که معمولاً از آن به عنوان نواندیشی دینی یاد می‌شود.

دیباچه

آنچه در این پژوهش «اندیشه اصلاح دین در ایران» خوانده می‌شود، آموزه‌هایی است که بر صورت پالایش دیدگاه‌های وارداتی نادرست از سنت‌های دینی ایران (اسلام شیعی) دست می‌گذارد. داعیان این اندیشه از نگاه تنوع افکار در گسترش وسیع‌تر جای دارند اما همگی با شدت و ضعف به انجام آن پالایش باور دارند. با این ترتیب، از یک سو، دانشمند شیعی مذهب سرشناسی چون حاج میرزا حسین نوری طبرسی - که کتاب‌هایش در بحث مهدویت در زمره آثار مهم شناخته می‌شود^۱ و خود نیز در عمل به مقام امام غایب شیعیان توجه فراوان داشت^۲ - از داعیان اندیشه

۱. حاج میرزا حسین نوری طبرسی گذشته از نکاتی که در آثار خود درباره مهدود، شیعیان آورده، سه کتاب جداگانه در آن حوزه پژوهشی نگاشت: *جنت المأوی فی ذکر من فاز بقاء الحجة و معجزات فی الفة الکبری* (۱۳۰۲ق.) در سامرا، *نجم ثاقب در احوال امام غایب* (۱۳۰۳ق.) در سامرا و به درستی حاج میرزا محمدحسن شیرازی: *بنیان‌گذار حوزه علمیه سامرا* و *کشف الأستار عن وجه الغائب* (۱۳۱۷ق.) در نجف.

۲. یکی از شاگردان او، شیخ علی‌اکبر صدرالاسلام همدانی، در کتاب *تکالیف الأنام فی غیبة الإمام* - که آن را درباره وظایف شیعیان در دوران غیبت امام دوازدهم نگاشت - از پذیرایی خود از او را آشکارا نشان داده است. به عنوان نمونه، وی در آن کتاب او را همواره با عنوان‌هایی چون «استاد اعظم» و «مولای معظم» یاد کرده و به آثارش چون *نجم ثاقب در احوال امام غایب* و *دار السلام فیما يتعلق بالرؤیا والناسم* ارجاع دارد. همچنین، در تکلیف ششم «تشبیه بیدار بودن به یاد آن حضرت - ارواحنا فداء» او را در توجه به مقام امام دوازدهم نه تنها در شمار «محبین عاشقین» که در میان «کاملین واصلین» یاد کرده است. (شیخ علی‌اکبر صدرالاسلام همدانی، *تکالیف الأنام فی غیبة الإمام*، تکلیف ششم، ص ۱۵۵).

اصلاح دین است چرا که کتاب *لؤلؤ و مرجان* را در «شرط اول و دوم منبر روضه‌خوانان» نگاشت و از ضرورت «اخلاص» و «صدق» ایشان سخن گفت.^۱ او - که هم استادی کم‌مانند در حدیث و رجال شیعی و هم فقیهی بزرگ شناخته می‌شد^۲ - هر جمعه ابتدا به مطالعه کتاب‌های مربوط به حادثه عاشورا می‌پرداخت و پس از برگزیدن اخبار قطعی، با احتیاط در نقل روایات، برای مردم سخنرانی و روضه‌خوانی می‌کرد به گونه‌ای که اشک‌هایش بر صورتش جاری می‌شد.^۳ از سویی دیگر، حاج شیخ رضاقلی شریعت سنگلجی - که به عکس نوری طبرسی حتی به نفی غیبت امام غایب شیعیان می‌پرداخت - از داعیان اصلاح دین است چرا که به ترک برخی سنت‌های موکراتی که نادرست‌شان می‌دانست دعوت می‌کرد اما در روزهای دهم محرم نیز با وجود سخنرانی روضه نمی‌خواند.^۴ با این ترتیب، دانسته می‌شود داعیان اصلاح دین با وجود برخورداری نسبی از آن رویکرد، تفاوت‌های بسیار زیادی داشتند. آنها را در زیرگروه‌های متعددی باید شناخت. این پژوهش به آن دسته از داعیان اصلاح دین می‌پردازد که اغلب چون شریعت سنگلجی می‌اندیشیدند. بیشتر ایشان برخی باورهای رایج در مذهب تشیع چون ولایت تکوینی بزرگان دین، معجزات و علوم

۱. وی کتاب *لؤلؤ و مرجان* در شرط *بله اول* و *دوم منبر روضه‌خوانان* را با مضمون «توبه گریاندن در مصائب سیدالشهداء - علیه السلام» آغاز کرده است. فصل نخست آن را «در اخلاص» نام نهاده و به «زبان‌های ریا در مصیبت‌خوانی» پرداخته است. فصل دوم نیز که «در صدق» نام دارد، مواد زیر را به دست می‌دهد: در مدح صدق، در مذمت دروغ گفتن و مقاسد آن در دنیا و آخرت، در ذکر بزرگی مصیبت دروغ بستن بر خداوند و در اشاره اجمالی به اقسام دروغ و حکم آنها، در بیان مراد از صدق در مقام نقل اخبار و قصص، در مذمت گوش دادن به اخبار کاذبه و حکایات و قصص دروغ و ...

۲. برای آگاهی از نگاه عالمان شیعی مذهب و نیز برخی محققان اهل سنت و ... به مقام علمی حاج میرزا حسین نوری طبرسی، نک: محمدحسین صفاخواه و عبدالحسین طالع، علامه محدث نوری، صص ۲۶۵ تا ۳۵۷.

۳. الشیخ آغا بزرگ الطهرانی، *طبقات اعلام الشيعة*، ج ۱۴، ص ۵۴۷.

۴. نک: پس از این، فصل «شریعت سنگلجی: معلم فکر اصلاح دین در عصر پهلوی»، صص ۵۲۹ و ۵۳۰.

ماورائی‌شان، توسل به ایشان، زیارت مقابرشان و ... را از اساس نادرست می‌گفتند و برخی سنت‌های شیعی چون حدیث‌گرایی، عزاداری، مصیبت‌خوانی و ... را با نادرستی‌هایی همراه می‌دانستند و گاه به خروج از مذهب تشیع نیز می‌گراییدند گو اینکه در این نگاه‌ها هم همسانی کامل نداشتند.

نگارنده این کتاب نخستین بار حدود سال ۱۳۷۶ ش.، زمانی که سال‌های پایانی تحصیلات متوسطه را می‌گذراند، نام شریعت سنگلجی را با عنوان یک «روحانی تهرانی وهابی‌مذهب» شنید و به تعجب افتاد چرا که با آگاهی از آن زمان خود این سه‌ویژگی را قابل جمع نمی‌دانست. از همان زمان‌ها بود که پژوهش درباره شریعت سنگلجی و هم‌فکرانش او را به خود مجذوب کرد. وی پس از هائی از فشار آزمون ورودی به دانشگاه و به‌ویژه با آغاز تحصیلات عالی (۷۷ ش.) تحقیق درباره اندیشه‌های شریعت سنگلجی و کسانی چون سید اسدالله خرقانی، حیدرعلی قلمداران، سید ابوالفضل برقی و ... را - که هم‌شان را به‌تازگی شنیده بود- شروع کرد و سرانجام به شیخ هادی نجم‌آبادی رسید. مطالعه بخش‌هایی از کتاب تحریر العقلاء (نوشته شیخ هادی نجم‌آبادی) به سال ۱۳۷۸ ش. و نیز آگاهی تدریجی از جایگاه استادی نویسنده‌اش بر تعداد زیادی از فعالان و شروطه‌خواه نمایی کلی از نقش مهم او در تاریخ معاصر ایران به دست می‌آید.

از آن سوی، نگارنده از سال ۱۳۷۸ ش. به تدریج با برخی از بن‌گیرندگان اندیشه‌های شریعت سنگلجی آشنایی یافت و مطالعات خود را - از انحققات کتابخانه‌ای به‌شکلی میدانی هم آغاز کرد و کم‌کم نسبت شاگردی برسی داعیان برجسته اندیشه اصلاح دین را با شریعت سنگلجی دانست. این سلسله فکری به سال ۱۳۸۲ ش. با آگاهی از نقش استادی شیخ هادی نجم‌آبادی بر سید اسدالله خرقانی - که استادی‌اش بر شریعت سنگلجی دانسته شده بود- کامل شد و جایگاه مهم آن معلم پیشگام به‌شکلی آشکار به دست آمد.

با این حال، پرسش مهم آن بود که شیخ هادی نجم‌آبادی از چه مسیری به اندیشه اصلاح دین گرایش یافته بود؟ آن سال‌ها، نگارنده، به سبب مطالعه منابع درجه دوم، به نادرستی می‌پنداشت سید جمال‌الدین افغانی و میرزا ملکم‌خان راهنمایان فکری او بودند. این باور نادرست به سال ۱۳۸۴ ش. با مطالعه کتاب *سلسله‌های صوفیه در ایران* (نوشته نورالدین چهاردهی) پایان یافت. نگارنده از همان ابتدای پژوهش‌های خود کتاب دیگر چهاردهی، وهابیت و ریشه‌های آن، را خوانده و از آگاهی‌های مهم و بی‌واسطه‌اش درباره شریعت سنکدجی مطلع شده بود. همچنین، بعدها کتاب داعیان پیامبری و خدایی او را دیدم و شهادتش از سید احمد کسروی را دانسته بود. از این روی، آثار چهاردهی برای وی پیوسته از اهمیت برخوردار بود و آن کتاب نیز با وجود ناهمسانی روشش با علاقه پژوهشی او مورد توجهش قرار گرفت. دیدن نام شیخ هادی نجم‌آبادی در نمایه آن کتاب نگارنده را به گفتاری از بهائیان درباره اعتقاد بای او کشاند.^۱ این سخن برای نگارنده - که هرچند بی‌باوری او به امام دوازدهم شیعیان را شنیده بود^۲ اما به سبب مطالعه همان دست منابع درجه دوم به ردیه نوشتش بر پایان باور داشت - تازه بود ولی آغازی بر مطالعات درباره ازلیان و بهائیان شد.

کتاب دیگر چهاردهی، *باب کیست و سخن او چیست* که اندکی بعد مورد مطالعه قرار گرفت و آگاهی‌های بی‌واسطه او از ازلیان را درست داد. مطالعه

۱. اسدالله فاضل مازندرانی، *تاریخ ظهور الحق*، ج ۸، بخش نخست، صص ۵۰۷ تا ۵۱۳، بخش‌هایی از این گفتار در فصل دوم این پژوهش آورده شده و تحلیل تمام آن مجالی دیگر می‌خواهد.

۲. یکی از داعیان اصلاح دین که در تهران جلساتی برگزار می‌کرد، هادی (امیر) نجم‌آبادی (تصویر شماره ۹۸) فرزند شیخ مهدی فرزند شیخ هادی نجم‌آبادی بود. یکی از شاگردان او - که گویا آقای فاضل نام داشت - در زمستان ۱۳۸۳ یا بهار ۱۳۸۴ ش. از قول استاد خود (و او از قول پدرش، شیخ مهدی نجم‌آبادی) برای نگارنده گفت که شیخ هادی نجم‌آبادی به امام دوازدهم شیعیان باور نداشت. نگارنده آن زمان این ناباوری را مانند آنچه از برخی داعیان برون شیعی اصلاح دین دیده بود پنداشت و باور یابی به ذهنش نیامد.

این کتاب - که از راهنمایان نخستین اما مهم نگارنده در شناخت ازلیان بود - حکایت از آن داشت که گویا یک پیوستگی ناشناخته میان برخی واقعات سال‌های پایانی حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار تا جنبش مشروطیت و نیز برخی رخداد‌های پادشاهی رضاشاه پهلوی وجود داشته است. این از آن روی بود که چهاردهی، هرچند شهرت ازلی بودن شیخ هادی نجم‌آبادی را بر نمی‌تافت، اما برخی کسانی را که نگارنده پیش‌تر درباره‌شان بسیار خوانده و هریک را در رخداد‌های آن دوره‌ها مؤثر یافته بود آشکارا ازلی می‌گفت و مسلمان‌شان را ظاهری می‌دانست؛ کسانی چون حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی (نایب‌المدینه مشروطه‌خواه برجسته)، حاج میرزا نصرالله ملک‌المتکلمین (واعظ مشروطه‌خواه برجسته)، سید جمال‌الدین اصفهانی (واعظ مشروطه‌خواه برجسته)، میرزا علی‌اکبرخان دهخدا (فعال مشروطه‌خواه برجسته)، محمدعلی فروغی (از ارکان حکومت رضاشاه پهلوی) و میرزا ابوالحسن‌خان فروغی (استاد، مدبر، بازرگان و تفسیر قرآن). نگارنده از ماه پایانی سال ۱۳۸۴ ش. به بعد به تدریج توانست بر آثاری از ازلیان و بهائیان دست یافته و آنها را در کنار دیگر منابع تاریخی نیمه دوم سلطنت قاجار مورد مطالعه قرار دهد و به آن رشته پنهانی که همان نام ازلی برخی فعالان سیاسی و فکری مؤثر آن زمان بود برسد.

از سوی دیگر، او در ایام تعطیلات ابتدایی سال ۱۳۸۵ م. زمانی که به مقبره شیخ هادی نجم‌آبادی رفته بود، دانست که پیش‌تر مقاله‌ای در بیان چکیده نگاه اصلاح دینی او در کتاب *تحریر العقلاء* نگاشته شده است. آن مقاله *نقش عقل در معرفت دین از دیدگاه آیت‌الله شیخ هادی نجم‌آبادی* (نوشته فرناز ناظرزاده کرمائی) بود. نگارنده که آن زمان با آثار داعیان پس از شریعت سنگلجی آشنایی یافته و دیدگاه‌های‌شان را می‌دانست، هنگام مطالعه آن مقاله، پیوسته به شگفتی می‌افتاد که اصول اغلب دیدگاه‌های ایشان را

شیخ هادی نجم‌آبادی بیش از صدسال پیش به‌دست داده است. این همسانی رویکردها همراه با نسبت استاد و شاگردی با واسطه‌ای که میان ایشان و شیخ هادی نجم‌آبادی دانسته شده بود (نک: پیوست شماره ۱) نتیجه کار شد و به‌شکلی عینی نشان داد که اندیشه اصلاح دین از سوی او به شاگردانش منتقل شده و به روزگار ما رسیده، به‌گونه‌ای که بسیاری از داعیان آن به او مپ‌گیری می‌برند.

مطالعه تمام کتاب *تحریر العقلاء* و سنجش آن با آموزه‌های سید علی‌محمد باب و آثار پیشینش چون *تنبيه النائمین* (نوشته عزیه‌خانم نوری و همکاران)، *تذکره انفالین* (نوشته ملا محمدجعفر نراقی)، *دلیل‌التحیرین* (نوشته حاج مبرزا مهدی‌الین و ... نشان داد که خاستگاه اندیشه اصلاح دینی شیخ هادی نجم‌آبادی اصحاب بابی و او بود نه اثرپذیری از کسانی چون سید جمال‌الدین افغانی و مبرزا مالم‌ان. به سخن دیگر، شیخ هادی نجم‌آبادی مانند دیگر ازلیان به‌ظاهر مسلمان، گسترش اندیشه اصلاح دین می‌پرداخت و به‌سبب ویژگی‌هایی که داشت در میان ایشان جایگاهی خاص یافت.

در این سال‌ها، پژوهش درباره اندیشه اصلاح دین در ایران - که به مطالعات بابی و بهائی نیز کشانده شد - همواره تحت اولویت‌های تحقیقی نگارنده بوده و گاه با نگارش مقاله‌هایی مقدماتی بر رویه می‌است. کتاب *تاریخ مکتوم* (چاپ: ۱۳۹۳ ش.) که نگاهی به «تلاش‌های سیاسی» فعالان ازلی در مخالفت با حکومت قاجار و زمینه‌سازی جنبش مشروطیت را به‌دست می‌دهد، به‌عبارتی نخستین کتاب نگارنده در این حوزه پژوهشی بود^۱ و با واکش‌هایی مثبت و منفی روبه‌رو شد؛ با این حال، اکنون که به چاپ جدید رسیده، به نظر می‌رسد توانسته توجه اهل تاریخ را به خود جلب کند فارغ از

۱. نگارنده اندکی پیش از چاپ کتاب *تاریخ مکتوم* کتابی با نام *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آرانگاه* حاج شیخ هادی نجم‌آبادی را به چاپ رسانده و زندگی‌نامه‌ای از او را در ابتدای آن آورده بود.

آنکه دیدگاه‌هایش را پذیرفته باشند یا خیر. بر همین اساس، نگارنده به نگارش این کتاب نیز روی آورد تا نمایی از آنچه را که دربارهٔ «تلاش‌های فکری» ازلیان دورهٔ قاجار یافته به دست دهد. بر همین مناسبت که این کتاب در شش فصل به نگارش درآمد و مقدمه‌ای تاریخی بر اندیشهٔ اصلاح دین در ایران نام گرفت.

فصل نخست (بایان و دعوت اصلاح دین) با اشاره‌ای گذرا به تاریخ و باورهای اساسی بایان و ازلیان و نیز سنت نهان‌زیستی و کتمان عقیدهٔ ایشان، نسبت اندیشهٔ اصلاح دین با آموزه‌های سید علی محمد باب و دیدگاه‌های ازلیان را به دست داده است. فصل دوم (شیخ هادی نجم‌آبادی: معلم فکر اصلاح دین در سراسر قاجار) با مروری بر جایگاه فکری و سیاسی شیخ هادی نجم‌آبادی در تاریخ ایران، ویکرد اصلاح دینی او را بر اساس کتاب *تحریر العقلاء* به شکلی خلاصه وار بررسی کرده و نسبت آن را با اعتقاد بابی‌اش نشان داده است. فصل سوم (سید سید اسدالله خرقانی و «دورهٔ طلایی مشروطیت») با اشاره به جایگاه اعضای این من بای باغ میرزا سلیمان‌خان میکده در رخداد‌های جنبش مشروطیت، زودهایی از اندیشهٔ اصلاح دینی ازلیان در آن سال‌ها را آورده و به تکاپوهای مسرو به خرقانی سید اسدالله خرقانی در نجف رسیده است. در نگاه این پژوهش، دورهٔ مشروطیت نقطهٔ عطفی مهم در سیر تکاپوهای سیاسی و فکری ازلیان بود.

آنچه در اینجا باید مورد اشاره قرار گیرد آن است که نگارنده بر خلاف آنچه برخی منتقدان کتاب تاریخ مکتوم نوشته‌اند^۱ - جنبش مشروطیت ایران را با یک جنبش بابی و ازلی مساوی نمی‌داند؛ با این حال، بر آن است که

۱. در این آثار با شدت و ضعف این نتیجه‌گیری به کتاب تاریخ مکتوم یا دیگر آثار نگارنده منسوب شده است. جعفر ربانی، تاریخ مکتوم: فتح بابی در تاریخ مشروطه؟!، لیل چمن‌خواه، بابی خواندن مشروطه‌خواهان چه حاصلی دارد؟ (نقدی بر تنبیه النائمین یکی از آثار کلاسیک بابی) و اکبر نبوت، بهایی‌گری علیه مشروطه‌خواهی.

فعالان بابی ضد قاجار - که خود را مشروطه‌خواه می‌نمایاندند و در واقع به دنبال مقدمه‌چینی برای برپایی پادشاهی دینی موعود خویش بودند - در آن جنبش نقش‌هایی اساسی و مبنایی داشتند. وی همچنین، بر آن است که روایت تاریخ آن جنبش بیشتر بر پایه آثار ازلیان انجام شده: آثاری که نویسندگان‌شان دوستی‌ها و دشمنی‌های پنهان برخاسته از نگاه آیینی خود را در نظر داشته و آنها را در نگاشته‌ها و داوری‌های تاریخی خود دخالت دادند.^۱ این ویژگی‌ها واقعیت‌هایی است که باید به آنها پرداخته شود و کمترین فاش‌اش آگاهی درست‌تر از رخدادهای پیشین است. باید گفت کتاب «تاریخ موعود تنها» پژوهشی خاص و موضوعی «درباره «جایگاه ازلیان» در مخالفان با حکومت قاجار و زمینه‌سازی جنبش مشروطیت است نه «پژوهشی عام». که در صورت به دست دادن «تاریخی کلی» بر آن جنبش بوده باشد. اگر چنین بود، سخن آن منتقدان در بابی انگاشته شدن جنبش مشروطیت درست است.

فصل چهارم (شریعت سنگلج). معلم فکر اصلاح دین در عصر پهلوی به بررسی کوشش‌های اثرگذار شریعت سنگلجی در زمان حکومت رضاشاه پهلوی برای بسط اندیشه اصلاح دین پرداخته و آن را نقطه هم‌گرایی اندیشه اصلاح دینی ازلیان ایران و اندیشه سلف‌گرایی و ماسان عربستان دانسته است. فصل پنجم (دعوت اصلاح دین پس از شریعت سنگلجی). بروری گذرا بر تکاپوهای برخی داعیان اصلاح دین که بر پایه آموزه‌های شریعت سنگلجی دعوت خود را تا امروز پی گرفته‌اند داشته و نمودهای میراث فکری او در جامعه ایران را نشان داده است. فصل ششم هم به جمع‌بندی نکات فصل‌های پنج‌گانه پیشین پرداخته و به نتیجه‌گیری کلی رسیده است گو اینکه هر فصل نیز خود دارای قسمتی برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است.

۱. برای آگاهی مقدماتی از این موضوع، نک: سید مقداد نبوی رضوی، نقش وقایع‌نگاران بابی در گزارش‌گری جنبش مشروطیت ایران.

از آنجا که بخش مهمی از منابع مکتوب این پژوهش تصاویر و اسناد چاپ‌نشده است، برای حفظ اصالت داده‌های کتاب، اغلب آنچه در دسترس خوانندگان نیست در بخش «تصاویر و اسناد» آورده شده و از این روست که این بخش صفحات زیادی را به خود ویژه کرده است.

باید دانست این کتاب پژوهشی در تاریخ اندیشه است و بدین سبب در آن دیدگاه‌های موافق و مخالف باید به دست داده شده و با یکدیگر سنجیده شود. روان نگارنده - جز در برخی بخش‌ها که به داوری پرداخته - بر آن استوار است که دیدگاه‌های موافقان و مخالفان را آورده و نتیجه‌گیری را به خواننده واگذارد. با این حال، این کتاب چون مقدمه‌ای تاریخی بر اندیشه اصلاح دین در ایران است، مجالی برای بررسی جدی آرای داعیان آن اندیشه و سنجش آن با ناهای منتقدان‌شان نداشته و ضمن شناساندن آثار مهم هردو گروه بیشتر به بررسی سیر انتقال آن اندیشه از گذشتگان به آیندگان‌شان پرداخته است.

نگارنده با سپاس از تمام کسانی که در این سال‌ها او را در فراهم آوردن این پژوهش یاری کرده‌اند، امیدوار است با این کوشش توانسته باشد در راه آگاهی درست‌تر از تاریخ ایران قدمی برداشته باشد چرا که نگاه درست به گذشته راهنمایی بر شناخت راه پیش رو و پیمودن درست آن است.

مؤلف: وی. رضوی

آبان‌ماه ۱۳۸۸ ش.